





دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شاهرود

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بررسی ساختار طنز و شوخ‌طبعی در برخی
از آثار داستانی معاصر

استاد راهنما:

دکتر جهانگیر صفری

استاد مشاور:

دکتر سید کاظم موسوی

پژوهشگر:

صفورا سلمانیان

بهمن ماه ۱۳۸۹



دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

گروه: زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی خانم: صفورا سلمانیان جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: آزاد
با عنوان: « بررسی طنز و شوخ‌طبعی در برخی از آثار داستانی معاصر فارسی » در تاریخ: ۱۳۸۹ / ۱۱ / ۲۰
با حضور هیأت داوران زیر بررسی و با رتبه عالی و نمره: ۱۹/۵۰ مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

۱. استاد راهنمای پایان‌نامه: دکتر جهانگیر صفری با مرتبه‌ی علمی: دانشیار امضا:

۲. استاد مشاور پایان‌نامه: دکتر سید کاظم موسوی با مرتبه‌ی علمی: دانشیار امضا:

۳. استاد داور داخلی پایان‌نامه: دکتر سید جمال‌الدین مرتضوی با مرتبه‌ی علمی: استادیار امضا:

۴. استاد داور خارج از گروه پایان‌نامه: دکتر حمید رضایی با مرتبه‌ی علمی: استادیار امضا:

دکتر جهانگیر صفری

معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

کلیه‌ی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه
شهرکرد است.

سپاس‌گزاری:

سپاس از جهاندار، کاین رنج سخت به شادی و خوبی سرآورد بخت

از خداوند مَنّان سپاس‌گزارم، به‌خاطر تمامی نعماتی که به من عنایت فرمود؛ به‌خاطر خانواده‌ی خوب، مهربان و دلسوز که در تمام مراحل تحصیل و زندگی حامی و مشوقم بوده‌اند، به‌خاطر دوستانی که یار غار بودند، اساتیدی که از اقیانوس علمشان بهره‌ها برده‌ام و به‌خاطر قدرت اندیشیدن.

در پایان این مقطع تحصیلی لازم می‌دانم از محضر تک‌تک اساتید و معلمان محترمی که در مدت تحصیل از خرمن علمشان خوشه‌ها چیده‌ام، قدردانی نمایم. به‌ویژه از زحمات و رهنمودهای عالمانه‌ی جناب آقای دکتر جهانگیر صفری که به‌عنوان استاد راهنمای این رساله قبول زحمت فرموده و از جناب آقای دکتر کاظم موسوی، استاد مشاور، تشکر فراوان دارم و از خداوند سلامتی و موفقیت ایشان را خواستارم.

و در پایان از همه‌ی آنان که روزگاری را با آنان سپری کرده‌ام و چگونه زیستن را به من آموخته‌اند و از همه‌ی آنانی که از سر اغماض رخصت بردن نامشان را به من ندادند، تشکر می‌نمایم.

نامشان زمزمه‌ی نیمه‌شب مستان باد

تا نگویند که از یاد فراموشانیم

تقدیم:

به تو تقدیم می‌کنم!
به تو که دوستت دارم
و خدایت را می‌پرستم.
ای انسان!
تو را سرنوشت ساخته؛ عوض نمی‌شوی؛ مگر با توکل.
برای تو نه هستی وجود دارد و نه نیستی و مرگ.
همه‌ی هستی‌ها، خداست.
من و تو سایه‌ایم؛ سایه‌ای بی‌اختیار.
ای انسان! تصویر تو با غم و شادی شکل گرفت.
از که می‌گریزی؟ از خودت؟! محال است؛ محال.
ای انسان!
خودخواهی، افسردگی؛ افسردگی، فقر و فقر، بدبختی به بار
می‌آورد.
...
ای انسان! در غم‌ها پایداری کن تا به شادی‌ها رسی.
توکل کن تا به وادی امن داخل شوی.
فقط در این صورت است که خواهی خندید، خنده بهترین
دواست.

(اقتباسی از: سید مجتبی جلال حسینی لاهیجی)

چکیده:

طنز و شوخی یکی از ویژگی‌های بعضی از داستان‌های روزگار معاصر هستند. مایه‌های طنز بخشی از جوهر ادبی بهترین داستان‌های جهان را تشکیل می‌دهند. نگاه رندانه‌ی طنز به پیش‌فرض‌های رسوب‌کرده‌ی ذهنی، اعتقادات پوسیده و خرافی و همچنین معضلات و مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به بازی گرفتن آن‌ها با سلاح خنده و لبخندی که برلب‌ها می‌نشیند، از تیزی حربه‌ی آن می‌کاهد و خطر آن را برای طنزپرداز کاهش می‌دهد. بنابراین طنز ادبیات داستانی با مفاهیم کنایی، ژرف‌نگر، کاونده، مکاشفه‌آمیز و تپنده همراه است. در خصلت ماهوی آثار طنزگونه همواره موقعیتی تلخ، زنده و گاه فاجعه‌بار نهفته است.

در این پایان‌نامه سعی شده، به ارتباط طنز با مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و همچنین نحوه‌ی برخورد طنزپرداز با این مسائل در حیطه‌ی ادبیات داستانی معاصر پرداخته شود. روشن است که هدف اصلی نگارنده، در این پایان‌نامه بررسی ساختار طنز ادبیات داستانی است. برای این منظور پنج نویسنده انتخاب شدند که عبارتند از: ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم حالت، ایرج پزشکزاد، خسرو شاهانی و هوشنگ مرادی کرمانی. چهار نفر اول طنزپرداز و داستان‌نویس ادبیات بزرگسال هستند و نفر پنجم، داستان‌نویس ادبیات کودک و نوجوان است. هریک از این نویسندگان دارای زبان و طنز و سبک مخصوص به خود در ارائه‌ی طنزشان هستند. حالت و شاهانی بیشتر از جنبه‌ی فکاهی به مسائل اجتماعی می‌نگرند و سبک داستان‌هایشان ژورنالیستی است. پاینده با طنز جوونالی - منیپوسی‌اش و طنز آمیخته به طعن مخاطب را موعظه کرده و گاهی به او می‌تازد. او با استفاده از نظریه‌ی گرماس، طنزی تلخ و گزنده می‌آفریند. پزشکزاد به طرح مسائل جنسی که در دهه‌ی ۵۰ اوج می‌گیرد به بهانه‌ی اعتراض به فساد روزگار معاصرش، به تشریح فساد می‌پردازد و با خلق شخصیت‌های بیمار عقلانی، طنز منیپوسی می‌سازد و مرادی کرمانی با بازگشت به دوران کودکی با زبان و بیانی ساده و صمیمی و نگاهی انسانی و عاطفی به ثبت خاطرات آن دوره و به نقد اجتماعی - فرهنگی می‌پردازد. چاشنی طنز در داستان‌هایش، آن‌ها را جذاب‌تر می‌کند.

کلید واژه:

طنز و شوخ‌طبعی، ادبیات داستانی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم حالت، خسرو شاهانی، ایرج پزشکزاد، هوشنگ مرادی کرمانی.

فهرست مطالب:

عنوان
چکیده

۵-۸	فصل اول: کلیات
۵	۱-۱ مقدمه
۷	۲-۱ پیشینه و بررسی منابع
۷	۳-۱ مواد و روش کار
۹-۱۷	فصل دوم: رابطه ادبیات و جامعه
۹	۱-۲-۱ رابطه ادبیات با جامعه
۱۰	۲-۱-۱-۱ جامعه شناسی ادبیات
۱۱	۲-۲-۱ ادبیات داستانی
۱۲	۲-۲-۱-۱ ادبیات داستانی و رابطه‌اش با مسائل اجتماعی
۱۳	۲-۲-۲-۱ رشد داستان و داستان‌پردازی در ایران
۱۵	۲-۲-۳-۱ تعریف داستان
۱۶	۲-۲-۳-۱-۱ رمان
۱۷	۲-۲-۳-۲-۱ داستان بلند
۱۷	۲-۲-۳-۳-۱ داستان کوتاه
۱۸-۴۰	فصل سوم: تعریف طنز، نظریه‌ها و شاخصه‌ی طنز ادبیات داستانی
۱۸	۱-۳-۱ تعاریف طنز
۲۰	۱-۳-۱-۱ تفاوت طنز با انواع دیگر مطایبه
۲۰	۱-۳-۱-۱-۱ بذله
۲۰	۱-۳-۱-۱-۲ هزل
۲۱	۱-۳-۱-۱-۳ هجو
۲۲	۱-۳-۱-۱-۴ طعن
۲۲	۱-۳-۱-۱-۵ فکاهه
۲۳	۲-۳-۱ پیشینه‌ی طنز
۲۵	۲-۳-۱-۱ اهداف طنز
۲۵	۲-۳-۲-۱ علل گرایش به طنز
۲۶	۲-۳-۳-۱ شگردها و تکنیک‌های طنز
۲۹	۲-۳-۴-۱ انواع طنز

۳۳	۳-۲-۴-۱- گروتسک
۳۵	۳-۳- طنز و نظریه‌ها
۳۸	۳-۴- طنز در ادبیات داستانی

۴۱-۱۴۳

فصل چهارم: معرفی نویسندگان و آثار طنزآمیزشان

۴۱	۴-۱- ابوالقاسم پاینده
۴۴	۴-۱-۱- بررسی ویژگی‌های نثر و سبک داستانی پاینده
۴۷	۴-۱-۲- تحلیل اجمالی داستان‌ها
۵۶	۴-۱-۳- بررسی ساختار عناصر طنزآمیز داستان‌ها
۵۶	۴-۱-۳-۱- طنز زبانی-بیانی
۵۸	۴-۱-۳-۲- طنز موقعیت
۵۹	۴-۱-۳-۳- طنز محتوایی-انتقادی
۵۹	۴-۱-۳-۱- طنز اجتماعی
۶۱	۴-۱-۳-۲- طنز سیاسی
۶۱	۴-۱-۳-۳- طنز فرهنگی
۶۲	۴-۱-۳-۴- طنز اقتصادی
۶۳	۴-۲- ابوالقاسم حالت
۶۴	۴-۲-۱- بررسی ویژگی‌های سبک داستانی
۶۵	۴-۲-۲- تحلیل اجمالی داستان‌ها
۶۶	۴-۲-۳- بررسی ساختار عناصر طنزآمیز داستان‌ها
۶۶	۴-۲-۳-۱- طنز زبانی- کلامی
۷۱	۴-۲-۳-۲- طنز موقعیت
۷۲	۴-۲-۳-۳- طنزهای محتوایی-انتقادی
۷۲	۴-۲-۳-۱- طنز اجتماعی
۷۴	۴-۲-۳-۲- طنز سیاسی
۷۵	۴-۲-۳-۳- طنز فرهنگی
۷۵	۴-۲-۳-۴- طنز اقتصادی
۷۶	۴-۲-۳-۵- طنز خانوادگی
۷۷	۴-۳- ایرج پزشکزاد
۷۸	۴-۳-۱- بررسی ویژگی‌های سبک داستانی
۷۹	۴-۳-۲- تحلیل اجمالی داستان‌ها
۸۲	۴-۳-۳- بررسی ساختار عناصر طنزآمیز داستان‌ها
۸۲	۴-۳-۳-۱- طنز زبانی- کلامی
۸۴	۴-۳-۳-۲- طنز موقعیت
۸۵	۴-۳-۳-۳- طنز دراماتیک

۸۵	۴-۳-۳-۴- طنزهای محتوایی-انتقادی
۸۵	۴-۳-۳-۴-۱- طنز اجتماعی
۸۶	۴-۳-۳-۴-۲- طنز سیاسی
۸۶	۴-۳-۳-۴-۳- طنزهای ادبی
۸۷	۴-۴- خسرو شاهانی
۸۹	۴-۴-۱- بررسی ویژگی‌های سبک داستانی
۹۱	۴-۴-۲- تحلیل اجمالی داستان‌ها
۱۱۱	۴-۴-۳- بررسی ساختار عناصر طنزآمیز داستان‌ها
۱۱۱	۴-۴-۱- طنز زبانی- کلامی
۱۱۷	۴-۳-۲- طنز موقعیت
۱۱۸	۴-۳-۳-۴- طنزهای محتوایی-انتقادی
۱۱۸	۴-۳-۳-۴-۱- طنز اجتماعی
۱۲۰	۴-۳-۳-۴-۲- طنز اقتصادی
۱۲۰	۴-۳-۳-۴-۳- طنز خانوادگی
۱۲۰	۴-۳-۳-۴-۴- سیاسی
۱۲۱	۴-۳-۳-۴-۵- فرهنگی
۱۲۳	۴-۵- هوشنگ مرادی کرمانی
۱۲۵	۴-۵-۱- بررسی ویژگی‌های سبک داستانی
۱۲۷	۴-۵-۲- تحلیل اجمالی داستان‌ها
	۴-۵-۳- تعریف ادبیات کودک و نوجوان و بیان تفاوت‌های
۱۳۳	طنز ادبیات کودک با طنز بزرگسال
۱۳۴	۴-۵-۴- بررسی ساختار عناصر طنزآمیز داستان‌ها
۱۳۴	۴-۵-۱- طنز زبانی- کلامی
۱۳۸	۴-۵-۲- طنز موقعیت
۱۳۹	۴-۵-۳- طنزهای ترکیبی (موقعیت-زبانی)
۱۴۰	۴-۵-۴- طنزهای محتوایی-انتقادی
۱۴۰	۴-۵-۱- طنز اجتماعی
۱۴۲	۴-۵-۲- طنز سیاسی
۱۴۲	۴-۵-۳- طنز فرهنگی

۱۴۴-۱۵۹

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۴۴	۵-۱- سخن آخر
۱۴۷	۵-۲- نمودار فراوانی‌های طنز
۱۴۷	۵-۲-۱- فراوانی انواع طنز در داستان‌های ابوالقاسم پاینده
۱۴۷	۵-۲-۱-۱- فراوانی مضامین اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در طنزهای پاینده
۱۴۸	۵-۲-۲- فراوانی انواع طنز در داستان‌های ابوالقاسم حالت

۱۴۸	۵-۲-۱- فرآوانی مضامین اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در طنزهای حالت
۱۴۸	۵-۲-۳- فرآوانی انواع طنز در داستان‌های ایرج پزشک‌زاد
۱۴۹	۵-۲-۳-۱- فرآوانی مضامین اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در طنزهای پزشک‌زاد
۱۴۹	۵-۲-۴- فرآوانی انواع طنز در داستان‌های خسرو شاهانی
۱۴۹	۵-۲-۴-۱- فرآوانی مضامین اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در طنزهای شاهانی
۱۵۰	۵-۲-۵- فرآوانی انواع طنز در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی
۱۵۰	۵-۲-۵-۱- فرآوانی مضامین اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در طنزهای مرادی کرمانی
۱۵۱	۵-۳- پی‌نوشت
۱۵۳	۵-۴- کتابنامه

فصل اول:

کلیات

۱-۱- مقدمه:

طنز از جمله قالب‌ها و ژانرهایی است که هنرمند را قادر به گفتن تمامی آن چیزهایی می‌کند که دیگران قادر به گفتن آن نیستند. طنز پیش از خودنمایی در هر جامعه‌ای، کلاسیک یا سنتی، یک نمود و نماد ابتدایی دارد و در واقع کالبد و جامه‌ی نخستین و ابتدایی طنز را می‌توان در احوال، کردار، رفتار و گفتار عادی و معمولی مردم - دوره‌ای که طنز در آن پرداخته می‌شود- جستجو کرد. (ر.ک، نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۶: ۳/ ۸۱۶). طنز به همراه ابهام، جنبه‌های مضحک و غیر عادی زندگی را- که گاه واقعا انسان را به خنده وامی‌دارد و گاه از سر درد، تولید خنده‌هایی می‌کند، - که از اعماق وجود انسان نشأت گرفته‌اند- منعکس می‌سازد.

طنزنویسی بالاترین درجه‌ی نقد ادبی است؛ چرا که با به کارگیری نمادپردازی و با مدد اشاره و کنایه‌ی جدای از زبان استدلال و صراحت، به نقد و بیان می‌نشیند و این امکان را برای انسان فراهم می‌کند تا پدیده‌ها را از زاویه‌ی دیگری ببیند. بنابراین نگاه طنز به پدیده‌ها نگاه آشنایی‌زدایی است. به گفته‌ی لوئی آراگون: نسبت دادن مفهومی خیالی و حیرت‌آور به اشیا و موضوعات، کاری است فراتر از بازی و در حقیقت کرداری فلسفی است؛ چراکه با نگاهی خاص و غیر منتظره به دور از شناخت ثابت و عامیانه‌ی معمول به جهان پیرامون خود می‌نگرد و طرحی نو از شناخت جهان در می‌اندازد. (صدر، ۱۳۸۱: ۹).

با توجه به این که ژانر طنز از انعطاف‌پذیرترین انواع ادبی است، آن را می‌توان در تمام قالب‌های ادبی از جمله: نثر، نظم، ادبیات داستانی و ... به کار برد. در این میان طنز ادبیات داستانی از مفرح‌ترین گونه‌های این قالب‌هاست. در ادبیات جهان برای این‌گونه‌ی طنز یعنی طنز ادبیات داستانی بها و ارزش بسیاری قائل شده‌اند و نویسندگان با بهره از طنز بهترین داستان‌های جهان را خلق کرده‌اند؛ چراکه در این‌گونه‌ی ادبی

می‌توان به شیوهی غیر مستقیم، با خلق شخصیت‌ها و فضاها و موقعیت‌های طنزآمیز، حماقت‌ها، باورها، عقاید دروغین و اشتباه، ذهن‌های منجمد و خفته را بیدار و زنده کرد و به سمت و سوی تعقل، اندیشه و فکر کشاند و در عین حال با استفاده از خنده و شوخی، زندگی شاد، همراه با پیشرفت، اندیشه و چشم و گوش: باز به نوع بشر هدیه کرد. "هوراس والپول" در این رابطه، عبارت و نظر جالبی دارد. او معتقد است: «زندگی برای کسی که می‌اندیشد، یک کمدی است و برای کسی که احساس می‌کند، یک تراژدی است» (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۹۹).

بر این اساس می‌توان گفت؛ طنز همواره با تعقل و فکر همراه بوده است و در ژرف‌ساخت هر طنزی فکری و یا حادثه و واقعه‌ای تلخ و گاه فاجعه‌بار نهفته است. با این وصف کار طنزپرداز بسیار حساس است، قلم طنزنویس با هر چه که کهنه و واپس مانده است، مبارزه می‌کند. بنابراین طنز با مفاهیم کنایی، ژرف‌نگر، کاونده، مکاشفه‌آمیز و تپنده همراه است. آنچه طنز را از دیگر انواع و ژانرهای ادبی جدا می‌سازد، طرز برخورد آن با موضوع است. طنز همیشه با خنده همراه است و همین همراهی با خنده و شوخی تفاوت آن با دیگر ژانرهای ادبی و دلیل استقبال عمومی و اجتماعی بودن آن است. (ر.ک. حلبی، ۱۳۶۴: ۵۸). دیگر تفاوت آن، این است که طنز همواره مستلزم قدرت در نکته‌پردازی و ایجاز در بیان نکات و ذهن خلاق و آزاد نویسنده است. داستان‌نویس طنز مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی قراردادهای سنتی و دست و پاگیر مردم را با طنز خود به چالش می‌کشد و با نشان دادن مغایرت بین سنت‌های اخلاقی و رفتارهای واقعی زندگی از آن‌ها انتقاد می‌کند. انتقادهای او به گونه‌ای غیر مستقیم با گفتار، حرکات و عمل شخصیت‌های داستانی در لباس کنایه به خواننده القا می‌شود. همچنین او برای این منظور از صنایع بدیعی و بیانی طنزساز چون تضاد، کنایه، جناس، ایهام، مراعات‌نظیر، تشبیه، تمثیل و ... استفاده می‌کند. درضمن طنزنویس در داستان‌هایش همیشه شخصیت‌هایی طنزآمیز می‌سازد که ابله‌نمای خردمند و دیوانه‌نمای عاقل هستند و یا شخصیت داستانی، کودکی است که زیاد می‌داند و آنچه را که مدنظر نویسنده است و انتقاداتش از جامعه و سیاست را از زبان آن‌ها ارائه می‌دهد.

قلم طنز زشتی‌ها و مفاصد غم‌انگیز را چنان با زیرکی و شوخ‌طبعی توصیف می‌کند که مطالعه‌ی آن برای مردم نه تنها ملال‌آور نیست؛ بلکه مسرت‌بخش است. در عین حال، هر زشت‌سیرت فاسدی نیز به معایب کار خود پی می‌برد بی این‌که به خشم آید و پاسخ قلم را با شمشیر بدهد، اما به ندرت ممکن است که بر روی بیدارکننده‌ی خود شمشیر بکشد. (محمدی‌فر، ۱۳۷۸: ۳۰۱-۳۰۰).

هم‌چنین باید متذکر شد، گرچه خواندن داستان‌های طنزآمیز شادی‌برانگیز است، اما علاوه بر آن در درون هر داستان طنزآمیزی، نوعی آموزش اخلاقی نهفته است و معمولاً رفتار و عادات زشت انسان‌ها در جامعه را زیر سؤال می‌برد و بر خورد بد آن‌ها با یک‌دیگر را مورد استهزاء قرار می‌دهد. در ضمن در ادبیات تحلیلی میان داستانی که محض خنده نوشته می‌شود و داستانی که طنز آن ناشی از نگرشی نو به رویدادی در زندگی واقعی است، تفاوت بسیار وجود دارد. طنز هنگامی دارای ارزش ویژه است که ناشی از برداشتی طنزآمیز از زندگی باشد. (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۶۵: ۱۱۴).

با توجه به اهمیت و حساس بودن این حیطة یعنی طنز ادبیات داستانی که چون شمشیر دو لبه است و کاربرد آن مهارت خاصی را می‌طلبد، ضرورت پرداختن به نقد و بررسی طنز در آثار داستانی معاصر فارسی احساس می‌شود. این پژوهش اهدافی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱. معرفی نویسندگان (پاینده، حالت، شاهانی، پزشکزاد، مرادی کرمانی) و شناسایی داستان‌های طنزآمیزشان.
۲. بررسی چگونگی به خدمت گرفتن عناصر طنزساز (زبانی و بلاغی) در خلق داستان‌های طنزگونه.
۳. شناخت مهم‌ترین مضامین طنزآمیز در آثار داستانی مورد نظر.

۱-۲- پیشینه و بررسی منابع:

در زبان و ادب فارسی تحقیقاتی در زمینه طنز معاصر صورت گرفته‌است. از جمله پایان‌نامه‌ای با عنوان نقد و بررسی طنز و هجو از مشروطه تا سال ۱۳۳۲ توسط آقای جهانگیر صفری در سال ۱۳۷۸ دانشگاه تربیت مدرس تهران انجام گرفته که بیشتر به جنبه‌ی طنز در قالب نظم پرداخته است. پایان‌نامه‌ی دیگری در سال ۱۳۸۴-۱۳۸۳ در دانشگاه شهید بهشتی با عنوان "بررسی آثار هوشنگ مرادی کرمانی" به وسیله‌ی خانم زهرا توکلی انجام گرفته که در بخشی از آن حدود صفحات ۱۱۹ تا ۱۲۵ به بررسی طنز در بعضی از داستان‌های مرادی پرداخته است. پایان‌نامه‌ی دیگری با عنوان "رابطه طنز با سیاست در نشر نویسندگان دوره مشروطه از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۰۰ شمسی" توسط آقای محمدباقر ایزدی لایبیدی در سال ۱۳۸۷ دانشگاه پیام نور اصفهان صورت گرفته که بیشتر به جنبه طنز مطبوعاتی دوره مشروطه پرداخته است. همچنین مقاله‌ای با عنوان آماج‌های طنز سیاسی حالت توسط علی اکبر باقری خلیلی و علی اصغر دورکی در فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا چاپ شده که فقط به ساختار شعر حالت پرداخته‌است.

هر چند به طور کلی تحقیقاتی در زمینه‌ی طنز انجام گرفته‌است اما پژوهشی با عنوان "بررسی ساختار طنز در برخی از آثار داستانی معاصر"، به صورت تحقیقی، دقیق و علمی صورت نگرفته است.

۱-۳- مواد و روش کار:

روش کار به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته‌است. بدین‌گونه که منابع و مأخذ لازم تهیه شده، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته، سپس یادداشت‌برداری و طبقه‌بندی شده و در پیش‌نویس متن مورد استفاده قرار گرفته و پس از پیشنهادها و اصلاحی استادان محترم راهنما و مشاور متن پایان‌نامه به تدریج آماده‌ی دفاع گردیده‌است.

فصل اول این پژوهش به مقدمه و تاریخچه، روش کار و پیشینه‌ی پژوهش اختصاص دارد. فصل دوم به جامعه شناسی ادبیات، ارتباط ادبیات با جامعه، سیاست و فرهنگ نویسنده‌ی آن، ادبیات داستانی، تعریف داستان و رشد داستان و داستان نویسی در ایران پرداخته شده است. فصل سوم به تعاریف طنز و انواع آن، نظریه‌های راجع به طنز تفاوت طنز با انواع دیگر مطایبه و طنز ادبیات داستانی پرداخته شده. فصل چهارم به معرفی نویسندگان انتخابی و آثار طنزآمیزشان و شگردهای طنزی آثارشان و مقایسه‌ای مجمل بین طنزهای آن‌ها صورت گرفته و در نهایت فصل پنجم به نتیجه‌ی بحث و کتاب‌نامه و فراوانی طنز و انواع آن در آثار مورد بحث اختصاص یافته است.

هم‌چنین باید متذکر شد، هر نوع بررسی و تحقیق در مورد طنز، مستلزم وجود میدان کار و بسترسازی دقیق است و اعتبار بررسی طنز در گروی مثال‌هایی است که در این پژوهش ارائه می‌شود. با این

وصف، سعی شده شواهد ارائه شده در این تحقیق، پیوسته بر تحلیل‌های نظری مربوط به آن بخش آورده شود و به کم‌گویی و گزیده‌گویی نیز توجه شده است. همچنین تلاش بر این بوده که با وجود فراوانی طنز در آثار نویسندگان انتخابی، طنزهایی که جنبه‌ی کمیکی و انتقادی آن‌ها بیشتر است، ارائه شود تا برای خواننده نیز ملال‌آور نباشد و بیشتر به آثار برجسته نویسندگان مورد بحث توجه شده است.

فصل دوم:

جامعه‌شناسی، ادبیات، داستان، رابطه‌ها.

داستان، زندگی است و فقدان آن، مرگ است.
(تودوروف)

۲-۱- رابطه‌ی ادبیات با جامعه‌شناسی:

ماده‌ی اصلی ادبیات زبان است و زبان در ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ساخته می‌شود. بنابراین ادبیات به اعتبار ماده‌ی اصلی آن ذاتاً اجتماعی است. از آن جایی که ادبیات یک پدیده‌ی اجتماعی است، تعامل جامعه و ادبیات و ارتباط آن دو با هم بحثی است که از روزگاران قدیم ذهن متفکران علوم انسانی را به خود مشغول کرده است. نقد و بررسی جامعه‌شناسی ادبیات یکی از مطالعات میان‌رشته‌ای است که محققان و پژوهشگران رشته‌ی جامعه‌شناسی و ادبیات با استفاده از مبانی، اصول و روش‌های تحقیق در این دو شاخه از علوم انسانی بدان می‌پردازند.

اولین بحث‌ها در باب ارتباط جامعه و ادبیات به صورت روشمند و تحقیقی در قرن نوزدهم در آثار مادام دواستال دیده می‌شود، ... پس از او، ایپولیت تن به عنوان بنیانگذار علم جامعه‌شناسی ادبیات شناخته شد؛ ... اما جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یک رشته‌ی علمی و دانشگاهی در قرن بیستم به رشد و تکامل دست یافت.
(عسگری‌حسنکلو، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴).

با مطالعه و بررسی متون ادبی درمی‌یابیم که منشأ اجتماعی نویسنده در دوران کلاسیک نسبت به دوران معاصر کمتر در آثار نویسنده و شاعر منعکس شده است؛ چرا که مخاطبان دوره‌ی کلاسیک طبقه‌ی دربار بودند؛ اما امروزه گروه مخاطبان اجتماعی جای مخاطبان درباری را گرفته‌اند و نویسنده‌ی امروزی، جهان اثر هنری‌اش را با آمال و آرزوها و امیدهای گروه‌های اجتماعی غنی می‌سازد. (ر.ک. همان، ۶۴).

در این پژوهش آنچه برای محقق اهمیت دارد، انعکاس بخشی از زندگی اجتماعی در عرصه‌ی ادبیات داستانی و ژانر داستانی طنز است. این که داستان‌نویس تا چه میزان توانسته واقعیات جامعه را در اثر خود منعکس کند و هم‌چنین معضلات و مشکلات جامعه را همراه با ارائه‌ی راه‌حل‌های پیشنهادی در داستانش بیاورد و این که آیا نویسنده از جهان‌بینی عمیقی برخوردار بوده یا از اصلاح آن ناتوان بوده است و حتی به خاستگاه فکری و عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نویسنده با توجه به تبیین و ترسیم تصویر جامعه در داستانش، می‌توان پی برد. "ولادیمیر ژانو" "V.Jdanov" در این باره می‌گوید: «ادبیات را باید در ارتباط جدایی‌ناپذیر آن با زندگی جمعی و براساس زمینه‌های تاریخی و اجتماعی که نویسنده را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در نظر گرفت» (اسکارپیت، ۱۳۷۹: ۱۷). با این وصف ادبیات جزء جدایی‌ناپذیر جامعه است و می‌توان ادبیات و جامعه را به دوقلوهای به هم چسبیده‌ای تشبیه کرد که با جدایی آن دو از هم دیگری نابود شده و رسالت خود را نمی‌تواند به درستی انجام دهد. جلال آل‌احمد هم اعتقاد دارد: «اصیل‌ترین اسناد تاریخ هر ملتی ادبیات است و مابقی جعل است» (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۴). البته بیان این نکته ضروری است که نویسنده برای خلق اثرش، نه تنها تحت تأثیر جامعه قرار می‌گیرد؛ بلکه ممکن است با خلق آثار خود، بر مردم جامعه نیز تأثیر بگذارد. بدین گونه که بعضی از افراد جامعه، از شخصیت‌های ساخته شده‌ی ذهن نویسنده الگو برداری کنند. (ر.ک، رنه‌ولک، ۱۳۷۳: ۱۰۹).

بنابراین ادبیات در عین حال که هدف است، می‌تواند به‌عنوان ابزاری توانمند برای به تصویر کشیدن و ترسیم چهره‌ی جامعه و نقد و بررسی سیاست، اجتماع و فرهنگ کشور در زمان نگارش آن نیز مفید واقع شود و بستری باشد برای اندیشیدن، واداشتن به اندیشه و فکر، بحث‌های فلسفی و برخورد اندیشه‌ها با یکدیگر. با این وصف می‌توان گفت؛ مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای و حتی روزمرگی‌های نویسنده و مردم هر ملتی این ظرفیت را داراست که در قالب‌ها و انواع گوناگون ادبی نمود یابد. بهترین قالب برای انعکاس این مسائل، داستان است و اجتماعی‌ترین ساختار، برای این منظور طنز است.

۲-۱-۱- جامعه‌شناسی ادبیات (Sociology of Literature):

ادبیات هر ملتی آینه‌ای تمام‌نماست که در آن باورها، ارزش‌ها، زبان و آرزوهای آن ملت منعکس می‌شود. با این وصف خالق اثر خود از بطن جامعه برخاسته است و آن چه می‌آفریند، از متن خواست‌ها و تمایلات قوم و فرهنگ ملتش برخاسته است. ای. جی. کادن در تعریف جامعه‌شناسی ادبیات می‌نویسد: «شاخه‌ای از پژوهش ادبی که روابط بین آثار ادبی و زمینه‌های اجتماعی آن‌ها از جمله الگوهای بی‌سواد انواع مخاطبان، نحوه‌ی نشر و عرضه‌ی دراماتیک و موضع طبقاتی نویسندگان و خوانندگان را بررسی می‌کند» (کادن، ۱۳۸۰: ۴۲۱). نقد جامعه‌شناسی ادبیات یکی از مطالعات میان‌رشته‌ای است که محققان جامعه‌شناسی و ادبیات، هر دو درگیر آن هستند. این مکتب بر پایه‌ی این اعتقاد شکل گرفته که رابطه‌ی هنر و ادبیات با اجتماع، یک رابطه‌ی دو سویه است و از اهمیت مهمی برخوردار است. به طبع هر اثر ادبی که خلق می‌شود، برخاسته از فرهنگ و اجتماعی است که خالق اثر در آن محیط می‌زیسته است. کار منتقد جامعه‌شناس، شناسایی محیط اجتماعی و شناخت وقایع و حوادثی است که در زمان خلق اثر، اتفاق افتاده و خواه ناخواه ذهن خالق اثر با آن درگیر بوده است. همین وقایع و حوادث هر دوره و عصر است که باعث ایجاد و خلق آثاری شده که با دوران دیگر و مکان‌های دیگر متفاوتند. این آثار یا «پدیده‌های ادبی، حتی

آن‌ها که به نحوی سطحی از ترسیم واقعیت‌های تئپیک دوران خود سرباز می‌زنند، فرزندان زمانه‌ی خویشند» (خراپچنکو، ۱۳۶۴: ۲۱۷). بنابراین می‌توان گفت؛ آثار ادبی، بهترین تصویر واقعی از اجتماع زمانشان هستند.

این‌گونه نقد، چگونگی واکنش و برخورد خالق اثر را با حوادث اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - بسته به زمینه‌ی داستانی اثر - مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

جامعه‌شناسی ادبیات مانند هر رشته‌ی علمی دیگری پیشرفت کرده و هویت یافته است و با نام بزرگانی چون گئورگ لوکاچ، لوسین گلدمن، والتر بنیامین، تئودور آردنر، اریش کوهلر، میخائیل باختین گره خورده و پیوندهای خود را با فلسفه و فرهنگ و هنر و اقتصاد تحکیم بخشیده است. مسأله‌ی رابطه‌ی متن با زندگی‌نامه، روان‌شناسی مؤلف و یا شرایط اقلیمی و طبقاتی و فرهنگی حاکم بر آفاق خلاقیت او، هم‌چنان اعتبار و اهمیت خویش را داراست. (اسکارپیت، ۱۳۷۹: ۲ و ۳).

البته باید توجه داشت که درست است که زندگی‌نامه و اندیشه‌ی نویسنده بر داستانی که خلق می‌کند، مؤثر است اما در تحلیل ژرف‌تر اثر، هیچ‌گاه نباید فراموش کرد که زندگی‌نامه یک عامل فرعی است و داستان را باید با عامل اصلی پیوند آن، یعنی جهان‌بینی‌های حاکم بر دیگر طبقات اجتماعی مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

۲-۲- ادبیات داستانی (Narrative Literature, Fiction):

یکی از مهمترین زمینه‌های ادبی در عرصه‌ی نثر فارسی، ادبیات داستانی است. محققان تعاریف بسیاری درباره‌ی ادبیات داستانی، از ابتدای پیدایش تاکنون، کرده‌اند. برای نمونه، یعقوب آژند در تعریف ادبیات داستانی می‌نویسد:

به طور کلی ادبیات داستانی به یک اثر تخیلی منشور اطلاق می‌شود که شامل حال شعر و نمایش‌نامه نیست، هرچندکه هر کدام از آن‌ها قالب و شکلی از ادبیات داستانی به حساب می‌آیند. امروزه ادبیات داستانی حاوی رمان Roman، داستان کوتاه Short Story، داستان بلند Lang Short Story و ژانرهای همبسته‌ی دیگر می‌باشد. (آژند، ۱۳۷۵: ۲۶؛ همان، ۱۳۸۵: ۲۶۷-۶۸).

جمال میرصادقی در تعریف ادبیات داستانی می‌نویسد: «ادبیات داستانی بخشی از ادبیات یا ادبیات تخیلی است و تفاوت عمده‌ی آن دو باهم در این است که ادبیات داستانی تنها شامل حال آثار داستانی منشور است» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۱). ادبیات داستانی برخاسته از قدرت بی‌نظیرش در انتقال احساس‌های درونی است. حقایق مطرح شده در ادبیات داستانی اثر عمیق‌تری بر ذهن مخاطبان می‌گذارد؛ زیرا این حقایق را از راه احساس و به طور غیرمستقیم به خوانندگان منتقل می‌کند. (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۶۵: ۱۱۱-۱۱۰). طاهری مبارکه هم معتقد است ادبیات داستانی بر آثار منشوری دلالت دارد که از ماهیت تخیلی برخوردارند. (ر.ک. طاهری مبارکه، ۱۳۷۴: ۱۶۱).

هم‌چنین باید متذکر شد که داستان اصل تفکیک ناپذیر زندگی بشر، مهمترین ابزار فرهنگی جهان و نزدیک‌ترین قالب به فطرت انسانی است. سابقه‌ی داستان‌گویی در فرهنگ بشری بسیار ریشه‌دار است و به نوعی از زمانی که انسان با تاریخ درگیر بوده، با داستان نیز سر و کار داشته است. با نگاهی به کلمه‌ی داستان و تاریخ در لاتین

history و story در می‌یابیم که این دو کلمه از یک ریشه‌اند. (عسگری-حسنکلو،

۱۳۸۷: ۳۲).

درباره‌ی قدمت ادبیات داستانی و به طور کلی داستان و نیاز مردم به قصه و داستان و هم‌چنین ارتباط مستقیم آن با جامعه، این حکایت از "دونالد اسپس" ما را بس است که: «شبی تاریک و طوفانی بود، عده‌ای راهزن کنار آتش نشسته بودند. اولین راهزن که غذایش را تمام کرد، گفت: بگذارید برایتان قصه‌ای بگویم. شبی تاریک و طوفانی بود، عده‌ای راهزن کنار آتش نشسته بودند. اولین راهزن که غذایش را تمام کرد، گفت: بگذارید برایتان قصه‌ای بگویم. شبی تاریک و طوفانی بود...» (اخوت، ۱۳۷۱: ب/ ۸۷). بدین ترتیب می‌توان گفت؛ ادبیات داستانی قدمتی به درازنای آفرینش و حیات انسان در جهان هستی دارد. انسان از همان آغاز آفرینش خود آن‌چه را می‌دید، با تخیلات و ذهنیاتش می‌آراست و به صورت داستانی زیبا بیان می‌نمود.

موضوعات مورد توجه ادبیات داستانی معمولاً تخیلی و ساخته و پرداخته‌ی یک ذهن خلاق است و به بیان امور حقیقی یا حقایق تاریخی نمی‌پردازد اما چنان‌چه درون‌مایه‌ی یک قالب ادبی از حقایق تاریخی یا واقعیت‌های دیگر مایه گرفته باشد، آن‌را با عناوین داستان تاریخی یا زندگی‌نامه‌ی داستانی مشخص می‌کنند. (ر.ک. داد، ۱۳۷۵: ۲۲).

۲-۲-۱- ادبیات داستانی و رابطه‌اش با مسائل اجتماعی:

در کل ادبیات داستانی بر مبنای روایت ساخته شده‌است. محیط زندگی هر فردی را وقایع و حوادثی احاطه کرده است. در این میان هستند اشخاصی که آن حوادث را با چاشنی تخیل آراسته و در قالب داستان ریخته و برای آن واقعه، زمان، مکان، شخصیت، گفتگو و طرح قائل شده، برای دیگران روایت می‌کنند. بدین ترتیب این افراد به نویسنده مبدل می‌گردند. با این وصف، می‌توان گفت؛ هر داستان بر پایه‌ی اتفاقی هرچند جزئی در اجتماع صورت می‌گیرد و خلق می‌شود. گلدمن در این رابطه معتقد است: «نظرگاه مادی- تاریخی در بررسی آفرینش ادبی بر این اصل متکی است که ادبیات و فلسفه در عرصه‌های مختلف شیوه‌های بیان، یک جهان‌نگری هستند و هر جهان‌نگری نیز نه پدیده‌ای فردی؛ بلکه پدیده‌ای اجتماعی است» (گلدمن، ۱۳۸۰: ۲۵۱). چرا که اندیشه‌ها و احساسات افراد، تابع تأثیراتی است که در اجتماع، فرهنگ و سیاست‌های حاکم بر محیط زندگی آن‌ها در همان زمان و عصری که زندگی می‌کنند، واقع می‌شوند. بنابراین در نقد و بررسی ادبیات داستانی، مطالعه و دانستن حوادث و وقایع سیاسی، اجتماعی و اعتقادات و باورهای فرهنگی حاکم بر زمان نگارش اثر داستانی و هم‌چنین خواندن زندگی‌نامه‌ی نویسندگان می‌تواند، مفید واقع شود. در ضمن نیز می‌تواند کمک شایانی برای منتقد در نقد آثار داستانی فرد مورد نظر باشد؛ چرا که «طبق نقد روان‌شناسانه بین متن و روان پدیدآورنده‌ی اثر ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. مولانا می‌گوید: "از قرآن بوی خدا می‌آید، از حدیث بوی مصطفی می‌آید و از کلام ما بوی ما می‌آید"» (طاهری‌مبارکه، ۱۳۷۴: ۹۸). با این وصف می‌توان گفت؛ هر اثری برخاسته از اندیشه و فکر نویسنده است و هر اندیشه و فکری برخاسته از فرهنگ مکان و کشور خاص خود است. بدین ترتیب رابطه‌ی ادبیات داستانی با مسائل اجتماعی و سیاسی تعاملی دوسویه است. این رابطه در ایران وجود داشته و دارد و همواره داستان‌ها در ایران آئینه‌ی زندگی ایرانیان بوده‌است و باعث انتقال فرهنگ‌ها، سنت‌ها و زنده نگه‌داشتن آن‌ها بوده‌است.

۲-۲-۲- رشد داستان و داستان‌نویسی در ایران:

ایرانیان به داستان و قصه، مانند اکثر ملل علاقه‌ی وافری داشته‌اند، هر چند که آثار به جا مانده از دوران باستان، در طی زمان و در مسیر هجوم‌های پیاپی اقوام مختلف به ایران نابود شده و بسیار ناچیز هستند. یکی از مشکلات اساسی تحقیق درباره‌ی مسائل ایران پیش از اسلام فقدان منابع مربوط به آن دوران است. در پژوهش در این مسائل جز نوشته‌های مورخان یونانی و مسلمان و کتیبه‌های بازمانده از آن روزگار چیزی برای بررسی در این مورد نیست. اما همین منابع اندک و نیز تأثیرگذاری ادبیات داستانی مکتوب و شفاهی بر یکدیگر و استحکام بقای روایت‌های شفاهی - روایات حماسی و عاشقانه و آمیخته با دین زرتشتی و نقالان، خنیاگران و داستان‌گویان در دربارهای ایرانی برای سرگرم کردن پادشاهان و درباریان تا همین اواخر و هم‌چنین نقالی و قصه‌گویی در دوران صفویه و قاجار در قهوه‌خانه‌ها، نشان از این علاقه‌ی ایرانیان به داستان و حضور مستمر و پابرجای سنت داستان‌گویی در ایران دارد. (ر.ک، یارشاطر، ۱۳۸۳: ۳۱ و ۱۵۱-۱۵۳). ادبیات داستانی در دوران باستان شامل داستان‌های اساطیری و پهلوانی ایرانیان با بن‌مایه‌های مذهبی کتاب اوستا، داستان آفرینش کتاب بندهشن، کارنامه‌ی اردشیر بابکان، یادگار زریران، خدای‌نامک، ویس و رامین، کلیله و دمنه، ارداویراف‌نامه و ... هستند. (ر.ک، عسگری‌حسنکلو، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

با هجوم اعراب به ایران و جایگزینی فرهنگ اسلامی در ایران، داستان و ادبیات داستانی نیز در سیطره‌ی اسلام درآمد. در اسلام داستان فی‌نفسه ارزشی نداشت و تنها داستانی ارزشمند بود که آموزش و تعلیمی به انسان بدهد. به‌طبع در این دوران داستان‌ها در بُعد تعلیمی، یا حقایق تاریخی، احادیث و زندگی‌نامه‌ی پیامبران و قدیسیان و گزارش‌های افسانه‌وار از تاریخ باستانی خلاصه می‌شدند. این دیدگاه در ادبیات عرب به نوعی انحصار در داستان‌سرایی منجر شد. در داستان‌های تاریخی نویسندگان در حد امکان به واقع‌نمایی داستانی که می‌آوردند، توجه بسیار داشتند. داستان‌های این زمان عبارتند از: حکایات ضمنی در تاریخ بیهقی و تاریخ طبری، آفرین‌نامه و ... از سوی دیگر در ایران همواره داستان‌سرایی جنبه‌ای از ادبیات متعالی محسوب می‌شد. (ر.ک، همان، ۱۳ و ۱۴؛ یارشاطر، ۱۳۸۳: ۳۰). بنابراین به جنبه‌ی خیال هم در این‌گونه ادبیات اهمیت فراوان می‌داده‌اند. بدین ترتیب در ادبیات داستانی ایران، پیش‌شرط اصلی داستان‌نویسی واقعی بودن و نزدیکی به وقایع تاریخی بوده است که با جنبه‌ی خیال‌انگیز بودن و هم‌چنین جنبه‌ی تعلیمی داستان - که آن هم جنبه‌ای است که ایرانیان از دوران باستان تاکنون به آن بهای بسیاری داده‌اند- اضافه شده و داستانی خلق گردیده است. با این وصف بسیاری از داستان‌های ایرانی صرفاً به‌خاطر مقاصد اخلاقی ایجاد شده‌اند و حتی گاهی جنبه‌ی داستانی‌شان ضعیف کار شده است.

با این همه ادبیات داستانی به شکل امروزی از مشروطه به بعد، در زبان و ادب فارسی ایجاد شد. تحول اجتماعی قرون ۱۸ و ۱۹ در اروپا و انقلاب‌های سیاسی آن دیار، در دگرگونی وضع اجتماعی کشورهای آسیایی و آفریقایی بسیار تأثیرگذار بود. در ایران، این قرون مصادف بود با دوران قاجار به‌ویژه دوران طولانی سلطنت ناصرالدین شاه و در آستانه‌ی انقلاب مشروطه و تحولات نسبتاً سریع این عصر در عرصه‌ی اجتماع، سیاست، فرهنگ و چندین واقعه‌ی تاریخی و اجتماعی برجسته، بالاخص در زمینه‌ی آموزش و روزنامه‌نگاری، ورود مظاهر تمدن و فرهنگ غربی - چون صنعت چاپ و روزنامه-، افزایش تدریجی تعداد دانش‌آموختگان از فرنگ برگشته- این دانش‌آموختگان در کشورهای اروپایی با اندیشه‌های سیاسی جدید آشنا شدند و با انتشار روزنامه، شب‌نامه و ایجاد انجمن‌ها درصدد برآمدند که در اوضاع اجتماعی